

سرنوشت را از سر باید نوشت !



بیوسته گذشته قسمت یکصد و هفدهم :

میگویند طیاره ای که در حال سقوط بود و همه مسافران در اضطراب افتاده بودند ولی از یکنفر که آرام در جایش نشسته بود پرسیدند : آقا ! تو چرانگران نیستی ؟ آن مرد به خونسردی جواب داد مگر طیاره مال پدرم است که از سقوط آن نگران باشم ؟



از چندی است که هر چند سعی نموده ام تا در هر یکی از یادداشت هایم خواننده گان ارجمند را از آنچه که به عنوان نخستین و مهمترین پاسخ در برابر عملیه ای بنام " چه باید کرد ؟ مطرح است معطوف بدارم اما از تماس های تلفنی و ارتباطات الکترونیکی عزیزان گرانقدری که با تماسهای گرانقیمت شان بر این حقیر منت میگذارند و آنچه را که از این قلم طراوش می یابند استقبال مینمایند ، بناً ابتداً باید به عرض برسانم که بنابر مشغله های زندگی اگر نتوانیسته ام به یکا یکی از آن بزرگواران پاسخ ارائه کنم مراتب عذر خواهی ام را بپذیرند . اما هرگاهی که شانس یاری نموده و فرصت استفاده از فرمایشات تلفنی و یاهم بصورت نوشتاری برابم فراهم شده یک پیام مشترک از آن همه محبت های عزیزان گرانقدر دریافته ام که راه حل چیست ؟ اکنون خود را مؤظف میدانم که حتی المقدور پاسخ این سوال عمده جامعه و تاریخ ما را که در ذهن فرد فردی از این نسل خطور میکند پاسخ گویم . اما آنچه که در این زمینه بسیار اساسی است این است که باید دریابیم کلید حل بحران ما از کدام جنس است ؟ و ما به عنوان گروهی از انسان های که خود را از تبار روشنفکران و وارثان مقتدر تاریخ و تمدن باستانی پنجهزار ساله میدانیم ، شعله های حوادث کنونی ی که پیرامون هستی و بقای تاریخی کشور ما افغانستان را فرا گرفته است از کدامین زاویه می نگریم ؟ لهذا باز هم به نظر میرسد و نه میتوانم از این اعتقاد و باور چشم بپوشانم که شناخت من از حوادث تاریخی بر بنیاد یک نگرش کاملاً علمی و توحیدی استوار است که مؤلفه های حرمت به **انسان** - آزادی و **عدالت واقعی** در تمامی حوزه های حیات پایه های مستحکم آنرا می سازد بناً کاملاً طبیعی است که نه تنها با نقشه راهی که طراوش ذهن بیمار شبه روشنفکران مافیائی بوده است مخالف بلکه با برداشتها و نوع نگرش بزرگترین حامیان نظام کنونی نیز

که تلاشهای چندین ساله جهاد و مقاومت را به میدان تقسیم غنیمت ها آورده اند بیش از هر نیروی دیگری فاصله دارم . البته باید گفت که فاصله ام با این جماعت که ضلع مذهبی نظام کنونی را درست دارند به دلیل برداشت غلط آنها از مفاهیمی چون توحید - خدا - انسان و تکامل تاریخی اش به خلیجی مبدل شده است که مرا ظاهراً با وجه مشترکی که به ارجحیت قائل شدن به عقل و علم با نیروهای چپ شامل در نظام مافیائی دارم نزدیکتر جلوه میدهد . زیرا وجود نا برابری و فقدان عدالت اجتماعی و اقتصادی یکی از عمده مسائلی است که افغانستان به آن دست و گریبان است با تأسف و درد مجاهد نمایانی که ضلع مذهبی نظام کنونی را محکم گرفته اند فرآیند بی عدالتی را یک امر الهی میدانند و با مسخ آیه های از قرآن پاک که میفرمائید :

<https://www.youtube.com/watch?v=GtabzPB9Y7Y>

به باور این قلم نقطه آغازین و سررشته چنین استحالته را باید در نوع اندیشیدن و فعالیت ذهنی و عملی تمامی رجال حقیقی و حقوقی ای جستجو کرد که ستون اصلی سیستم مافیائی حاکم بر افغانستان را تشکیل میدهند . و از سه دهه بدینسو از وجود لاغر میهن عزیز افغانستان تغذیه میشوند .

<https://www.youtube.com/watch?v=2XG13SzdLuU>

می بینید عزیزان ! این حضرت آقا حنیف خان اتمر این مرید سینه چاک استخباراتی چگونه سرنوشت میهن مجروح ما را برای همیشه عقب کشورهای بزرگ می بندد ؟ البته در این میان مسؤلیت کسانی نیز که بر کرسی های نماینده گان مردم افغانستان نشانده شده اند نباید نادیده گرفت زیرا آنچه که آقای محمد حنیف اتمر مشاور امنیتی داعشی رئیس محمد اشرف غنی میفرما یند از وظائف اصلی پارلمان یک کشور منجمله افغانستان محسوب میشود زیرا برویت ماده نودم قانون اساسی افغانستان در باره مورد مشخص یعنی " تصویب بودجه دولتی و اجازه اخذ یا اعطای قرضه؛ " از وظائف اصلی پارلمان افغانستان پنداشته میشود .



اما از اینکه این وکلای محترم پارلمان افغانستان نیز مانند دیگر و اکثر افسار جامعه دالر پاشی شده اند چشم هیچیکی از وکلای محترم در برابر این اظهارات آقای محمد حنیف اتمر پلک نزد و نه گفت که آقای حنیف خان اتمر ! چه کسی گفته اند که ما به عنوان یک ملت داری حقوق اساسی برای پاسداری و دفاع از میهن هر روز به دوازده ملیون دالر نیاز داریم ؟ و یا هم اصلاً وظیفه و رسالت یک وکیل پارلمان چیست که در جمع سائراعضای پارلمان که از ۳۴ ولایت افغانستان نماینده گی میکنند حضور می یابد ؟ اما واقعیت این است که آقای محمد حنیف خان اتمر عصای دست شبکه های استخباراتی است که به گواهی بلند رتبه ترین مقامات پارلمانی خود عامل اصلی انتقال داعش و حوادثی است که اخیراً در مرز طورخم با پاکستان موجب درگیری های گردیده است چنانچه آقای حاجی عبدالظاهر قدیر در یک گفتگوی تلویزیونی با شبکه تلویزیونی شمشاد در باره حوادث جنگ با داعش در ولایت ننگرهار و قرارداد امنیتی با شبکه های استخباراتی پاکستان اینگونه اظهار داشتند :

<https://www.youtube.com/watch?v=oV3Bz2ReRuO>

در زندگی، هیچ دشمن کینه توز و مسلحی از یک مرید متعصب و سینه چاک، اما بی عقل برای یک مراد و هدف مقدس خطر ناک تر و مزاحم تر نیست

«کنستان ویرژیل گیورگیو»

اما حکایت سودای ننگین حنیف خان اتمر آنگاه سرزبانها افتاد که وی بحیث جاسوس موفق و تعلیم یافته و وزیر بازنشسته مصلحتی نخست در رأس گروه مافیائی بنام «حق و عدالت !!» قرار گرفت که نه حق بودند و نه هم بر مؤلفه عدالت باور داشتند سپس یک قافله "سیا" سی از زائران خانه خدا "کعبه" را به دربار پادشاه عربستان متحد اصلی دولت فحیمه انگلیس و سازمان استخباراتی معروف آن MI6 رساند تا اعضای این قافله را با خوردن "من وسلوای" ریاست امنیت عربستان غسل تعمید دهند.



مقامات امنیتی عربستان سعودی نیز محمد اشرف غنی احمدزی را با استفاده از موفقیت پروژه انتخاباتی محمد نواز شریف در پاکستان اب چندین میلیون دالری وارد گود انتخاباتی ساخت طبیعی است که باید همزمان از حمایت های انتخاباتی محمد نواز شریف که به اثر التفات شاهانه ملک فهد فرمانروای عربستان در پاکستان تعیین شده بود به سود محمد اشرف غنی احمدزی بهره ای که تازه به میدان انتخابات افغانستان داخل شده است بهره مند می بود،

<https://www.youtube.com/watch?v=53bjfj4cKis>

چنانچه این موضوع وقتی لطیف الله محسود برادر حکیم الله محسود از زندان باگرام همراه با دوتن از رفقاییش تحویل مقامات پاکستان گردید دکتر مسعود شاهد یکی از بزرگترین تحلیل گران نظامی پاکستان ضمن تمجید و اقدام حکومت کابل با صراحت اعلام داشت که کمک افغانستان برای تحویل دهی لطیف الله محسود برادر حکیم الله محسود رهبر تحریک ملغی اعلام شده طالبان پاکستان سلسله همان کمک های بوده که پاکستان برای پیروزی انتخاباتی اشرف غنی احمدزی زمینه اجرایی آن را فراهم ساخته بود و در ایام انتخاباتی که آقای اشرف غنی احمدزی بحیث کاندید ریاست جمهوری در آن انتخابات حضور داشت بر هرگونه تحرکات نظامی قیودات وضع گردیده بود.



یادداشت: انشاءالله اگر زندگی و فاکرد این مبحث را بصورت فوق العاده در آینده پیگیری خواهم ساخت